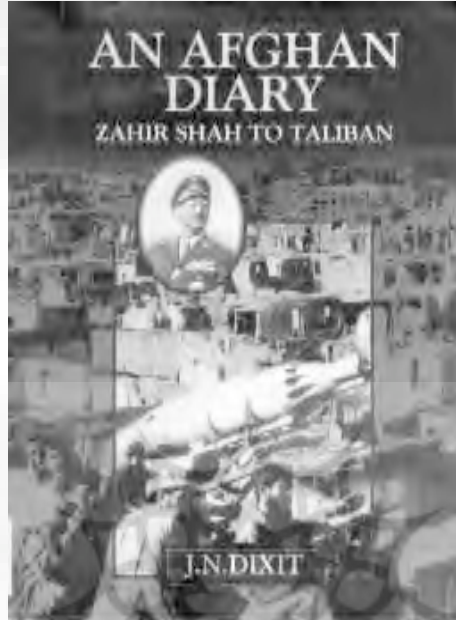


خاطرات روزانه افغانستان

از ظاهرشاه تا طالبان

O عبدالحسین رئیس السادات



○ خاطرات روزانه افغانستان از ظاهرشاه تا طالبان

○ تألیف: ج. ان. دیکسیت

○ ناشر: کنارک، دهلی، ۲۰۰۰ م

An Afghan Diary, Zahir Shah to Taliban, J.

N. Dixit, Konark Publishers PVT LTD, Delhi,

2000



پس شرایط سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی افغانستان را مورد دقت نظر قرار داده است. در این فصل به سیاست هند در دوره مستعمراتی و پس از استقلال (۱۹۴۷) در قبال افغانستان و نیز برخورد کشورهای اسلامی با کودتاگران پرداخت شده است.

خاطرات روزانه سال ۱۹۸۲ - از دهلی - ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱ شروع می شود که تا ۱۵ ژانویه به مسأله انتصاب خویش با گفت و گوهایی که با خانم گاندی داشته (جالب توجه است جملاتی از قول خانم گاندی به زبان اردو نقل می کند که ظاهراً زبان محاوره‌ای ایشان و خانم گاندی بوده است) و چگونگی عزیمت به کابل می پردازد. از آن به بعد سیاست‌های خارجی هند در قبال افغانستان، پاکستان و گروههای جهادی، درگیری داخلی بین احزاب خلق و پرچم،

این کتاب در ۵۲۵ صفحه با پیشگفتار (یک صفحه)، مقدمه (۸ صفحه)، دیباچه‌ای بر خاطرات روزانه (۲۹ صفحه)، خاطرات سال ۱۹۸۲ [تحت عنوان] آشنائی با کابل (۷۴ صفحه)، خاطرات سال ۱۹۸۳ - آنچه مجاهدین بدست آورده و از دست دادند (۱۶۸ صفحه)، خاطرات سال ۱۹۸۴ - تراست کارمل - شوروی: پاسخ پاکستان - آمریکا (۱۵۱ صفحه)، خاطرات سال ۱۹۸۵ - شکاف خلق - پرچم عریض می شود. (۴۱ صفحه) و بالاخره نکات تازه [تکمله] - زمام امور در دست طالبان: از چه خبر می دهد؟ (۴۷ صفحه) و فهرست اعلام ۱۳ صفحه‌ای پایان بخش این کتاب است.

در معرفی نویسنده آمده است که پیش از این وزیر خارجه هند بوده است. توسط خانم ایندیرا گاندی در دسامبر سال ۱۹۸۱ به عنوان سفیر به افغانستان اعزام می شود و حدود چهار سال تا ۱۹۸۵ در این سمت خدمت می کند. طی این سالها وی شاهد نفوذ سیاسی و سپس نظامی شوروی در افغانستان است که تا ۱۹۸۵ به اوج خود می رسد. در نتیجه وی شاهد واکنش مجاهدینی بوده که در مقابله با این نفوذ و با حمایت قدرتهای خارجی عمل می کرده‌اند. وی نیز شاهد کاهش نفوذ شوروی با مرگ برژنف بوده است. دیکسیت شخصاً با رهبری افغانستان از رئیس جمهور کارمل تا نجیب آشنائی داشته است.

نویسنده در پیشگفتار هدف از انتشار کتاب را تصحیح درک نادرست از سیاست‌های هند در قبال افغانستان از سال ۱۹۷۸ تاکنون و درک و دریافت‌های خویش از مسایل افغانستان برمی شمرد و مدعی است دیدگاه دیگری برای نگاه به تحولات افغانستان پیش روی خواننده می گشاید. در مقدمه بر دوره یازده ساله ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹، سپس ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ و شکست نجیب، حاکمیت دولتهای مجاهدین، فروپاشی شوروی سابق و سرانجام ظهور طالبان بر صحنه سیاسی افغانستان مروری کلی دارد.

در فصل اول - دیباچه‌ای بر خاطرات روزانه - نویسنده به بررسی مختصری از تحولات سیاسی و استراتژیک مربوط به افغانستان از سال ۱۹۲۳ تا خلع ظاهرشاه و سپس برادرزاده‌اش داوود در ۱۹۷۸ پرداخته است، زیرا اعتقاد دارد که این بررسی ضمن اینکه خاطرات روزانه را از خلاء بیرون می آورد زمینه‌ای بنیادین برای [کودتا] انقلابی است که در سال ۱۹۷۸ توسط حزب دموکراتیک مردم افغانستان سازماندهی شد و منجر به دخالت نظامی ۱۹۷۹ شوروی در پشتیبانی از آن انقلاب گردید. ولی پیش از پرداختن به مبحث فوق، تاریخ تشکیل کشور افغانستان را از میانه قرن هیجدهم توسط احمدشاه ابدالی (درانی) از فرماندهان سپاه نادرشاه بطور گذرا بررسی کرده تا سال ۱۹۲۳ رسیده است و از آن

برخورد دولتهای خارجی با دولت کمونیستی افغانستان، دولت افغانستان و ایران، وضعیت معیشتی، کمک‌های شوروی، اقتدار دولت، بلوک شرق و افغانستان، آمریکا و مسئله افغانستان، شخصیت‌های صحنه سیاسی افغانستان و روابطشان با یکدیگر و با دولت هند، مسائل داخلی ارتش افغانستان، مسائل داخلی دولت افغانستان، نقش سازمان ملل در آشتی بین گروههای جهادی و دولت افغانستان، عمده مطالبی هستند که از فصل دوم تا پایان فصل پنجم خاطرات روزانه سالهای ۱۹۸۲ تا دهم ماه مه سال ۱۹۸۵ را تشکیل می دهند.

در فصل ششم که با عنوان تکمله آورده شده است به تحلیل وقایعی می پردازد که منجر به سرنگونی نظام کمونیستی افغانستان شد. نقش آمریکا در پشتیبانی از گروههای مقاومت، پاکستان، عربستان سعودی و دولتهای عربی خلیج فارس و ایران انقلابی، تحولات داخلی شوروی سابق و اختلافات داخلی نظام حاکم بر افغانستان در این بخش مورد بررسی قرار می گیرند. روی کار آمدن دولت نجیب، دولت اسلامی افغانستان، فروپاشی شوروی و پیدایش کشورهای آسیای میانه، سپس نحوه شکل گیری و روی کار آمدن دولت طالبان، اهدافی را که این دولت با پشتیبانی پاکستان دنبال می کند و پیش بینی وضعیت آینده افغانستان، ارتباط طالبان با همسایگان آسیای میانه‌ای‌اش و ایران و توجیه ارتباطات هند با دولت کمونیستی افغانستان از جمله مواردی هستند که در این فصل به آنها پرداخته شده است. آنچه تلاش می شود در جای جای کتاب و بویژه این بخش به خواننده القاء گردد اختلاف پشتونها و غیرپشتونها است. به روشنی می توان درک کرد که سفیر سابق هند در افغانستان سعی در تقویت تفکر پشتونشان دارد. چیزی که از بدو پیدایش افغانستان حتی در دوره استعمار انگلیس موجب نگرانی دولت همسایه شرقی افغانستان بوده است.

با توجه به تجربیات سی و شش ساله آقای دیکسیت به عنوان وزیر خارجه، نماینده هند در افغانستان، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش، بوتان و بویژه عضو عالی رتبه هند در پاکستان برای افغانستان پس از شوروی، مطالعه عمیق کتاب و استفاده از این تجربیات به دیپلماتهای وزارت امور خارجه، بخشهای مختلفی که از ابعاد گوناگون با مسئله افغانستان ارتباط دارند، استادان و دانشجویان روابط بین الملل، استادان و دانشجویان علوم سیاسی و بالاخره کارکنان بخش معاونتهای بین الملل وزارتخانه‌ها و سازمانهای مختلف توصیه می گردد.

از همین نویسنده کتابهایی در روابط هند و پاکستان، سریلانکا و بنگلادش انتشار یافته است.